

مرز بین تجمل و ضرورت



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

در بین روابط عوامل اقتصادی رابطه بین مصرف و سرمایه-
گذاری از مهمترین مسائل اجتماعی جامعه است . کیفیت و
ساختمان مصرف در يك کشور خود پدیده ایست که میتواند
هم وضع اقتصادی کشوری را منعکس کند و هم معرف سطح
اخلاقی و شعور اجتماعی افراد جامعه باشد.

اینکه هر انسان مختار مال خودش میباشد و نمیتواند
پول و سرمایه و پس اندازش را بهر نحو و بهر شکلی که میل دارد
مصرف کند بدوی ترین استنباط انسان از مالکیت است . و این
نحوه ادراك از مالکیت مربوط بزمانهای گذشته میباشد .

مردمی که در يك جامعه زندگی میکنند نسبت بوضع

دیگری و در نتیجه در قبال جامعه مسئولیت مشترک دارند. هیچکس نمیتواند ادعا کند که نسبت به سرمایه و پول و درآمد خود اختیار مطلق دارد و عملاً هم ضرورت‌های اجتماعی این اختیار مطلق را از افراد جامعه سلب کرده است.

وقتی فرد در جامعه زندگی میکند و از این جامعه میخواهد که امنیت جان و مال او را تأمین کند طبعاً باید مخارج آنرا نیز بپردازد. ولی جامعه امروز با مکانیسم پیچیده‌اش با مسائلی بفرنجتر از این معادله ساده روبروست. و این مسائل است که چهار چوب سیاست اقتصادی و اجتماعی دولت‌ها را تشکیل میدهد.

از جمله مشکلات اساسی کشورهای در حال رشد مسئله سرمایه و تهیه آن است برای تأمین هزینه‌های مربوط با اجرای برنامه‌های عمرانی عقیده عموم کارشناسان اقتصادی بر اینست که برای تأمین سرمایه باید زندگی مردم و فعالیت اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی آنها با نظم تازه تنظیم شود و قسمت مهمی از این نظم جدید را همکاری مردم در اجرای برنامه‌های دولت تشکیل میدهد.

توسعه و پیشرفت اقتصادی مستلزم وجود سرمایه است. و راه‌های بدست آوردن سرمایه را میتوان بطور خلاصه در موارد زیر خلاصه کرد:

- ۱- فروش مواد اولیه و ذخایر و منابع طبیعی.
 - ۲- پس اندازها و وام‌های داخلی.
 - ۳- وام‌های خارجی.
- وام خارجی تکلیفش معلوم است که باید پولی گرفت و خرج کرد. و اصل و فرع آنرا پرداخت مواد اولیه و ذخایر و منابع طبیعی نیز منبع درآمد و سرمایه‌گذاری است و کشوری که مواد و منابعش از نظر احتیاج بیشتر مورد نیاز بازارهای جهانی باشد طبعاً درآمد نسبتاً مطمئنی خواهد داشت.
- اما پس اندازها و وام‌های داخلی را باید از دو جهت مطالعه کرد:
- اول از جهت تشکیل سرمایه از پس اندازهای مردم و سرمایه‌گذاری آنها.

دوم از جهت اثرات اخلاقی و معنوی آن .

در این جاست که ضرورت وجود يك نظام اجتماعی و اقتصادی مترقی و سالم بچشم میخورد . « باین معنی که برای پیشرفت اقتصادی و تأمین سرمایه های ضروری دولت ها سعی میکنند مردم را به پس انداز تشویق نمایند و سپس این پس اندازها را بصورمختلف در افزایش تولید بکار اندازند ، دولت ها هیچگاه راه مصرف اندوخته هارا در راههای غیرانتفاعی باز نمیگذارند و برای این امرحدی قائل میشوند . و این حد نیز رابطه بابرنامهها و طرحهای مختلفدولت دارد .

بعنوان مثال امروز در تهران بعلت نقص وسایل رفت وآمد اتومبیل بصورت يك ضرورت اجتناب ناپذیر درآمده است . اگر در تهران مسئله رفت و آمد بصورتی که در سایر کشورها معمول است حل میشد بدون تردید خانوادهها کمتر بفکر تهیه اتومبیل میافتادند .

امروز اکثر پس اندازهای مردم برای خرید اتومبیل و پرداخت اقساط آن بهدر میرود . و از سوی دیگر داشتن اتومبیل که نخست جنبه احتیاج دارد بتدریج بصورت یکی از لوازم حتمی و قطعی چشم و هم چشمی و رقابت در میآید . وحتى خانواده های متوسط الحال که هیچگاه درآمد و هزینه آنها اجازه خرید اتومبیل را نمیدهد بخاطر همین دوعلت همه شرایط مادی خود را بکار میاندازند تا اتومبیلی تهیه کنند . از طرف دیگر خرید باقساط و ایجاد شرایط سهل برای فروش از طرف کمپانیها خود نوعی وسوسه و اغوا برای خرید بوجود میآورد و باین ترتیب میلیونها تومان پول که میتواند بصورت پس انداز درراه سرمایه گذاری غیرخصوصی بکار افتد صرف خرید اتومبیل میشود . مسئله خرید اتومبیل با پس اندازها و امکانات ناچیز مردم فقط باقتصاد و تشکیل پس اندازها برای فعالیت های تولیدی لطمه نمیزند بلکه عوارض اخلاقی بیشماری نیز بیاز میآورد و خانواده هارا مجبور میکند که در سایر مسائل زندگی نیز راه افراط پیش گیرند و باقبول صدها خطر و نگرانی و انحطاط از مرز ضروریات بگذرند و

بودی تجمل و تفنن قدم گذارند .

و مثال دیگر در مورد سرمایه‌هایی است که صرف ساختن نهایی خصوصی میشود . بنظر ما در يك جامعه در حال رشد زندگی افراد و خانواده‌ها باید در حد يك ضرورت طبیعی بدون تحمل فشار تنظیم شود برای اینکه بدون محدود کردن مصرف و تشویق و حتی اجبار به پس انداز و خودداری از صرف پولها در راههای تجملی و تفننی نمیتوان نه سرمایه‌های لازم را برای برنامه‌ها تأمین کرد و نه جامعه را به قبول يك نظام اخلاقی سالم و منطبق با ضرورت تحول و ادار نمود .

متأسفانه جامعه ما از طرفی با تکیه بر درآمدهای ناشی از ذخایر طبیعی بسوی تحول گام برمیدارد و از طرف دیگر با توسعه هزینه‌های عمرانی و گسترش زندگی شهری و افزایش درآمدها طبقات بالای جامعه بطرف يك زندگی پر تجمل و اسراف در هزینه‌های تجملی و تفننی و تقلید از زندگی جوامع پیشرفته و صرف درآمدها در راههای غیر انتفاعی و لوکس کشیده میشود و این میرساند که درآمدهای خصوصی طبق قوانین اقتصادی توزیع نمیشود و سرمایه‌ها فارغ از هرگونه نظام و قید و حد اجتماعی تابع سلیقه و احساس و میل صاحبان آن خرج میشود .

در حالی که برای ایجاد سرمایه حتماً باید مصرف در تمام زمینه‌ها در تحت نظم و قاعده خاصی درآید . و قانونگزاری راه را بر اسراف سرمایه‌ها و درآمدها در راههای غیر انتفاعی و تجملی به بندد . و راههای تازه‌ای برای پس انداز و استفاده از آن بوجود آورد .